

سرورشید

درباره‌غلام‌ضارشید یاسمی، شاعر و مترجم و محقق کُردتبار ایرانی

آزاده چشمه سنگی



غلام‌ضار شید یاسمی، مایه مباحث کرد زبانان کرمانشاهی است. خیابانی که در کرمانشاه به ببولوار پروفیسور حسابی منتهی می شود به همین نام است و حدفاصل خیابان ولیعصر تا خیابان ستول تهران نیز مزین به نام رشید یاسمی است. نویسنده، مورخ، مترجم، شاعر با اصالت و فروتنی که از جدیدری تا پدرش محمدولی خان میر پنج، همگی شاعر و نقاش و خوش نویس بودند. مادرش نورتاج خانم دولت‌داد هم یک خان‌زاده قاجاری بود که غلام‌ضارا از هشت سالگی پس از فوت همسرش به تنهایی بزرگ کرد. آنچه غلام‌ضرا رشید یاسمی درباره خاندان و اجدادش روایت می‌کند، سراسر جذبه و سرافرازی است: «ما از طایفه گورانی‌م که از عشیره بزرگ گرد است. اجداد ما که تا بیست و چهار پشت اسم و رسم آنان را می‌دانم، از ناحیه دره شمشیر کردستان به جانب خاک کرمانشاهان آمده و در گوران مسکن گزیده، به ریاست آن ایل رسیده که مرکزش قصبه باصفای گهواره است.» غلام‌ضرا سواد خواندن و نوشتن را در چنین جغرافیایی فراگرفت، اما برای تکمیل تحصیلات خود به تهران رفت و دبیرستان را در مدرسه سن لویی پشت سر گذاشت. در آنجا به تشویق معلم ادبیات خود، نظام وفا، قوه نهفته شاعری اش را که ارثیه پدری بود، کشف کرد و پرورش داد. علاقه‌اش به فلسفه و عرفان نیز او را پای درس و بحث استادان اخلاقی زمانه از جمله مهدی الیهی قمشاه‌ای نشانده و بازتاب آموخته هایش بعدها در لایه لای ۲۰۰۰ بیت سروده به جامانده از او، یافت شد. هر چند با پایان تحصیلات، در وزارت مالیه مشغول به کار شد، با تأسیس «جرگه دانشوری»، ذوق و اشتیاق خود را به ادبیات بروز داد و این پایگاه ادبی را در کنار محمدتقی بهار به محلی برای انتقال تجربیات و ارائه آثار نویسندگان و شاعران معاصر تبدیل کرد. در همان احوال، نخستین تألیف خود «احوال ابن یمین» را درباره زندگی ابن یمین فرپوودی منتشر ساخت و با مقاله نویسی در روزنامه شفق به شهرت ادبی رسید. نقدهای او به آثار نویسندگان و شاعران مطرح روز، عمده مضامین دست‌نوشته‌های او را شامل می‌شد و رفته رفته دیدگاه تجددگرایانه او در شعر را نیز در میان اهالی فن آشکار کرد. هم نشینی او با ملک الشعرای بهار، شاعری را به شکل جدی در وجودش زنده کرد. یاسمی به سبک قدما می‌سرود و شعر را در نهایت سلامت می‌آفرید و آنچه سروده هایش را از آسیب‌های احتمالی تجددگرایی نجات می‌داد، چاشنی نوآوری در مضمون بود که با ظرافت و طبعی دلپذیر، درد‌های فردی و اجتماعی را در قالب‌های شعری گوناگون جای می‌داد. یاسمی هرگز خود را در بند قالب شعر اسیر نکرد و برای بیان تراوش ذهنی اش دست به شکستن قالب‌های شعری مرسوم می‌زد که منقطعات، شاهدی بر خلاقیت ادبی اوست. لطفعلی صورتگر در توصیف این قالب شعری می‌نویسد: «رشید یاسمی هفت یا هشت بیت را با قافیه‌ای می‌سازد و همین که آن قافیه، کلمات خوب و مستعد را تمام کرد، با همان بحر به قافیه دیگری می‌پردازد.» اما توانمندی او محدود به شاعری نمی‌شد و تسلطش بر زبان‌های عربی و انگلیسی و فرانسوی موجب شد تا آثار ارزشمندی را از برجسته‌ترین نویسندگان جهان به فارسی برگرداند. ترجمه‌هایی نظیر «اندرز اوشنر دانا» و «اندرز آذرباد مهراسپندان» و «ارداویراف نامه» نیز حاصل تسلط او بر زبان پهلوی بود که نزد هرتسفلد (باستان شناس آلمانی) فراگرفت. سال ۱۳۱۲ با تأسیس دانشگاه تهران، بر مسند استادی نشست و تا روزی که زنده و سرحال بود تاریخ را به دانشجویان دانشکده ادبیات درس داد و روزی نیز در اسفندماه سال ۱۳۲۷ در تالار همین دانشکده حین سخنرانی به سکنه مغزی دچار شد. پس از سه سال تحمل عوارض ناشی از سکنه، ۱۸ اردیبهشت ۱۳۳۰ در پنجاه و پنج سالگی از دنیا رفت و در آرامگاه ظهیرالدوله تهران به خاک سپرده شد. حاصل چهار دهه مطالعه و تحقیق در حوزه تاریخ و ادبیات، بیش از ۱۱۲ اثر تألیفی درخشان و ۱۰ اثر تصحیحی منون و ۱۶ ترجمه ارزشمند بود که در این بین، مقالات او در نقد و بررسی آثار ادبی، خود به تنهایی مرجع گرانمایه‌ای برای پژوهشگران و علاقه‌مندان حوزه تاریخ و ادبیات ایران محسوب می‌شود.

زین‌تقدیر

علیرضا حیدری |مدرس ویراستاری

- ناوبراسته**

دولت این لایحه را به‌مورد اجرا گذاشت.

- ویراسته**

دولت اجرای این لایحه را آغاز کرد.

- نکته**

پیرو نکته روز گذشته باید بگویم که کارست نامبارکو نایجای «مور» به ویژه در رسانه‌ها در شکل‌هاوشیوه‌های دیگر هم فیراوان دیده‌می‌شود.

#زین-قندپارسی

شهریار

۲۷شنبه ۱۸ اردیبهشت ۱۴۰۲ ۱۷شوال ۱۴۴۴ ۳۳فروردین ۱۳۹۳

۱۰



فرهنگ و ادبیات

در نشست خبری پاسداشت حکیم ابوالقاسم فردوسی عنوان شد

تدارک بر نامه‌های ملی برای بزرگداشت فردوسی

گروه فرهنگ و ادبیات

آیین بزرگداشت حکیم ابوالقاسم فردوسی با برنامه‌های گوناگون در سطح ملی و استانی و شهرستان‌ها ارائه خواهد شد. در آستانه ۲۵ اردیبهشت روز بزرگداشت بزرگ شاعر حماسه سرای ایران، حکیم ابوالقاسم فردوسی، نشست خبری پاسداشت حکیم گران مایه توس با حضور مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی خراسان رضوی و رئیس انجمن آثار و مفاخر فرهنگی کشور در پایتخت برگزار شد.



به‌گزارش شهرآرانیوز، در این نشست خبری که در انجمن آثار و مفاخر فرهنگی در تهران شکل گرفت، حسین زاده مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی خراسان رضوی و شالویی رئیس انجمن آثار و مفاخر فرهنگی کشور، به تشریح برنامه‌های پاسداشت فردوسی بزرگ پرداختند.

محمد حسین زاده در حاشیه این نشست در گفت‌وگو با خبرنگار شهرآرانیوز بیان کرد: در آستانه ۲۵ اردیبهشت روز بزرگداشت بزرگ شاعر حماسه سرای ایران، حکیم ابولقاسم فردوسی هستیم و برنامه‌های متنوعی برای این مناسبت در نظر گرفته شده است.

مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان اظهار کرد: امسال اتفاق مهمی نسبت به سال‌های گذشته افتاده است؛ اینکه برنامه‌های ملی در کنار برنامه‌های استانی تعریف شده و انجمن آثار و مفاخر فرهنگی کشور هم



به یاری ما آمده است تا بتوانیم فردوسی را بیشتر و بهتر به مردم و نسل جوان معرفی کنیم.

او در بخشی دیگر از صحبت‌هایش به اتفاق دیگری اشاره کرد و افزود: نکته متمایز دیگر امسال، شعار محوری و برگزاری همایش علمی است که این همایش متناسب با شعار تعریف شده است.

حسین‌زاده خبر داد: در دوروز همایش علمی که ۲۴ و ۲۵ اردیبهشت در دانشگاه فردوسی برگزار می‌شود استادان و دانشجویان به ارائه مقالات خود خواهند پرداخت.

او همچنین یادآور شد: در کنار محوریت علمی این رویداد برنامه‌های فرهنگی، هنری، فرهنگ عمومی و ورزشی نیز تعریف شده است و با پای کار آمدن مجموعه‌های مختلف دولتی و مردمی قرار است اتفاقات خوبی را از ۲۴ اردیبهشت تا سوم خرداد به‌عنوان دهه حماسه انقلاب اسلامی رقم زنند.

مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی خراسان رضوی

خاطر نشان کرد: مهم‌ترین برنامه آیین بزرگداشت مردمی، در آرامگاه فردوسی است که عصر روز ۲۴ اردیبهشت برگزار می‌شود، همچنین شب‌ها برنامه‌هایی از جمله اجرای تئاتر و حماسه خوانی و شاهنامه‌خوانی به همت شهرداری در محل آرامگاه برگزار می‌شود.

محمود شالویی، رئیس انجمن آثار و مفاخر فرهنگی کشور نیز در حاشیه نشست خبری روز پاسداشت فردوسی گفت: در همایش علمی فردوسی که امسال در دانشگاه فردوسی مشهد برگزار خواهد شد، نشان فردوسی به‌پژوهشگرانی که آثارشان بررسی شده است، تعلق می‌گیرد. همچنین سال آینده مطابق اساسنامه‌ای که برای این امر تدوین شده است، نشان فردوسی به‌برگزیدگان در سطح جهانی اهدا خواهد شد.



شبی که بعثی‌ها آمدند

نگاهی به چند کتاب به مناسبت سالروز آزادسازی هویزه از اشغال دشمن بعثی



او در ادامه افزود: بزرگداشت فردوسی، امسال، در کنار آرامگاه فردوسی بزرگ با برنامه‌های متعدد هنری همراه خواهد بود. همچنین ۲۴ اردیبهشت همایش علمی فردوسی را داریم که با همکاری دستگاه‌های فرهنگی، دانشگاه‌ها، مؤسسات خصوصی که در زمینه شاهنامه‌پژوهی تحقیق داشته‌اند، برگزار خواهد شد.

پس از این همایش، در کنار آرامگاه فردوسی برنامه مفصل و مبسوطی را در توس داریم.

به گفته رئیس انجمن آثار و مفاخر فرهنگی کشور، همچنین در شهرستان‌ها و مراکز استان‌ها برنامه‌های متعددی درباره فردوسی برگزار خواهد شد.

او یادآور شد: شاهنامه اثری فاخر و مبین هویت ملی و اصالت ایرانی ماست که با توجه به حکایت‌ها، قصه‌ها، داستان‌های خودمی تواند بخش مهمی از اذهان امروز ما را به خود معطوف کند.

شالویی ادامه داد: این آشنایی به‌ویژه برای نسل جوان و نوجوان ضرورت دارد.

کاوه سنایادی



نام «هویزه»، امروز بیش از آنکه یادآور مردمان باستانی هوزی یا خوزی باشد و هم‌ریشه بودنش با اهواز - دیگر شهر خوزستان - نبردی تحمیلی را به خاطرم‌ان می‌آورد. جنگی هشت‌ساله که چه بسیار جوانان وطن را به خاک و خون کشید، سلامتشان را گرفت یا روانه اسارتگاه‌های رژیم بعثی بیگانه کرد. شاید بیش از آن جنگ، نماد و نمود دلیری‌ها و جان‌فشانی‌ها باشد و رمزندگانی ایرانی که این پاره‌تن میهن را پس از حدود بیست‌ماه از چنگ اشغالگران تا بن دندان مسلح آزاد کردند. بهار آزادی هویزه در هجدهمین روز اردیبهشت‌ماه ۱۳۶۱ از راه رسید، اما حالا در ذهن ما که بیش از چهار دهه از آن روزها دوریم چه تصویری از آن باید نقش ببندد؟ چیزی جز گونه‌های خیس از اشگی که معلوم نیست از شادی پیروزی جاری شده یا از روبه‌رو شدن با شهر یکسره ویران و یکسان با خاک؟ درباره هویزه و اشغال و آزادسازی‌اش در روز نهم عملیات بیت المقدس کتاب‌هایی نوشته شده که این تکه از تاریخمان فراموش نشود. اگر تمایل داشته باشید آگاهی‌تان را از آنچه گفته شد با خواندن چنین آثاری افزایش دهید، شاید معرفی پیش‌رو به کارتان بیاید.

- «هویزه» از زاویه دید داستان‌نویس

«هویزه»، نوشته داوود امیریان، نخستین کتاب از مجموعه «مناطق جنگی ایران، است که مؤسسه انتشارات امیرکبیر به چاپ رسانده است. خواننده در این مجموعه، رویداد‌هایی از جنگ تحمیلی و حاشیه‌های آن را به زبانی روایی مرور می‌کند. امیریان، نویسنده کتاب «هویزه»، تجربه قابل توجهی در داستان‌نویسی دارد و در اینجا هم از بیان داستانی بهره برده است. او در این کتاب ۱۰۴ صفحه‌ای ضمن ارائه توضیحاتی درباره تاریخ و جغرافیای هویزه (مانند حملاتی که در اعصار گوناگون به این خطه شده یا موقعیتش در هفتاد کیلومتری شهر اهواز)، خاطرات مردم منطقه را از جنایت‌های متجاوزان نقل می‌کند.

در جایی از کتاب آمده: «وقتی مادر شهید حسین علم‌الهدی به رحمت خدا رفت، طبق وصیتش او را در کنار فرزند دل‌ورش به خاک سپردند... اکنون هویزه سمبل ایثار و از خودگذشتگی جوانان مؤمن ایران است. هویزه شهر ایثار و شهادت است.»

- «حماسه هویزه» در روزگار تلخ

نصرت‌ا... محمودزاده در کتاب «حماسه هویزه، به شرح خاطرات خود از مقاومت ایرانیان در برابر دشمن بعثی می‌پردازد. او در سطرهای این اثر از اتفاقات تلخی می‌گوید که در جریان عملیات هویزه در دی ماه سال ۱۳۵۹ یا آن روبه‌رو شده است. این وقایع ناگوار اما به‌هرحال ماندگار در اذهان مشاهده‌کنندگانش مبتنی بر مظلومیت هویزه و مدافعانش است. نقلی از خون‌های به‌ناحق ریخته‌شده برای حفظ خاک، «حماسه هویزه»، را انتشارات کتاب یوسف و نشر شهید کاظمی در هشتاد صفحه چاپ کرده‌اند: «برای پنجمین روز متوالی، عبور تانک‌های ارتش از جاده هویزه- سوسنگرد ادامه داشت. از این جابه جایی‌ها، بوی حمله می‌آمد، حمله‌ای که مدت‌ها در انتظارش بودیم. پس از حمله‌های پی‌در پی

راوی مشاهداتش از لحظات و موقعیت‌های خونین کشتار وحشیانه روستاییان و سنگ‌دلی دشمن را شرح می‌دهد و به این ترتیب گوشه‌ای از تاریخ معاصر ما را به ثبت می‌رساند. در بخشی از این کتاب که انتشارات سوره مهر در ۳۱۲ صفحه منتشر ساخته، می‌خوانیم: «... مین‌ها آب و گل خورده و حسابی سنگین شده بودند. پوتین‌ها یمان هم هر کدام به اندازه یک کیلو و شاید هم بیشتر گل و شل به آن چسبیده و حسابی سنگین شده بود. نفری دو مین یعنی بیش از ۴۰ کیلو با خودمان باید به مقدار چند کیلومتر حمل می‌کردیم. مین‌های آمریکایی مربع و دسته‌دار بودند، اما مین‌هایی که احمد با خود حمل می‌کرد، دسته‌نداشتند و به همین خاطر، احمد حسابی آزار دید. مشقتی را که احمد برای حمل مین‌ها کشید دیدم. اما او خم به ابرو نیاورد و کارش را به طور کامل انجام داد. به ستون حرکت کردیم. حسن به عنوان راهنما در جلو ستون حرکت می‌کرد. من برای آن که کسی جا نماند در عقب ستون راه می‌رفتم، احمد هم حق کتان مین‌ها را حمل کرد. طوری که در آن سرما عرق کرده بود...»

- «هویزه» که تکه‌ای از آسمان بود

مجموعه «قطعه‌ای از آسمان، بنا دارد تا مناطق جنگ‌زده کشور را به خوانندگان معرفی کند. در هر عنوان از این مجموعه - از جمله کتاب «هویزه»-

تاریخچه‌ای از منطقه و گزارشی از رخداد‌های جنگ تحمیلی در آنجا ارائه می‌کند. زهرا حیدری نویسنده «هویزه» نیز در این اثر رویکرد یادشده را دنبال می‌کند. او از زبان شخصیت حاضر در صحنه آن حوادث می‌گوید با بیانی ساده ماجرا را شرح دهد. کتاب را انتشارات صریح در ۱۰۵ صفحه چاپ کرده است: «دلم به‌دجوری فکر خانواده‌ام بود. زخم که تازه وضع حمل کرده بود و مادر و خواهرانم که در خانه بودند. اخبار هولناکی از رفتار سربازان عراقی با مردم روستاهای اشغال‌شده به گوش می‌رسید. ماندن بومدم چه‌کار کنم. پدرم هم خیلی نگران دخترانش بود. آمد سراغم و گفت: «چه‌کار می‌کنی؟» گفتم: «قید مرا بزن. همین‌جا می‌مانم و اگر دشمن خواست وارد هویزه شود، با او می‌جنگم.» حامد جرفی خودش را به آب‌آتش می‌زد. هم بخشدار بود و هم فرمانده سپاه و هم همه‌کاره هویزه. آبی آرام و قرار نداشت و در کنار رسیدگی به کارهای روزمره مردم، نیروها را برای دفاع از شهر بسیج می‌کرد و هسته‌های مقاومت شهری را سازمان می‌داد. حامد هم بعد از من ازدواج کرده بود. خواهر قاسم‌نبیسی را به زنی گرفته بود. اوایل مهرماه بود که خبر رسید دشمن در حال پیشروی به سوی هویزه است. کمی قبل از آنکه این خبر برسد، چند گلوله سپاه به اطراف هویزه افتاد که صدای انفجار آن وحشت و هراس زیادی میان مردم ایجاد کرد... اوضاع کاملاً به هم ریخته بود و کسی آرام و قرار نداشت. مدارس هویزه و خانه‌های مردم پر از مهاجرین جنگی سوسنگرد شده بود و هر لحظه از طرف سوسنگرد، هجوم مردم بینوا بود که به طرف هویزه می‌آمد. صبح روز هفتم مهرماه، متوجه شدم نیمه‌شب دیشب عراقی‌ها وارد شهر شده‌اند و هویزه را به اشغال خود درآورده‌اند. ماجرای اشغال را قاسم چنانی به من اطلاع داد. صبح زود و قبل از اینکه از خانه بیرون بروم، به خانه ما آمد. دیدم کلافه و سرگردان است.»

